

اصل مسئولیت و پاسخگویی در حکمرانی اسلامی

در اسلام، کارگزار حکومت علاوه بر اینکه در برابر مردم، مسئول و پاسخگوست، در برابر خداوند نیز مسئول و پاسخگو می‌باشد. در مکتب اسلام، اگر کارگزار حکومت از حدود وظایف خویش، تجاوز نماید و از موقعیت و جایگاه خویش سوءاستفاده نماید، مورد لعن خداوند قرار خواهد گرفت. همچنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمود: «کسی که خود را بر گروهی از مردم مقدم بدارد، در حالی که می‌داند در بین آنان کسی است که برتر از اوست، پس به تحقیق به خداوند، پیامبر و مسلمانان، خیانت ورزیده است» (الباقلانی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۴؛ به نقل از کدخدایی و فلاح).^۱ این حدیث شریف، قبول مسئولیت از سوی کسی را که می‌داند در بین مسلمانان، بهتر از او برای تصدی امور مسلمین وجود دارد، خیانت می‌داند. در حدیث دیگری از پیامبر (ص) وارد شده است: «کسی که یک نفر از مسلمانان را به عنوان کارگزار برگزیند، در حالی که می‌داند در بین مسلمانان، شخصی بهتر از او وجود دارد که به کتاب خدا و سنت پیامبر، عالمتر است، پس به تحقیق به خدا و پیامبرش و تمام مسلمانان خیانت کرده است» (امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۸، ص ۲۹۱؛ به نقل از کدخدایی و فلاح). در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین عجلین ذکر شده است: «کسی که شخص خائنی را به کار بگمارد، همانا محمد (ص) در دنیا و آخرت از او بیزار خواهد بود» (المغربی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۱؛ به نقل از کدخدایی و فلاح). همان گونه که ملاحظه می‌شود، هم مدیر خائن، مورد لعن خداوند است و هم مسئول مافوق وی که او را به مدیریت و امارت رسانده و یا در ادامه کار که خیانت او آشکار شده است، باز هم با وی مماشات می‌کند و برای عزل او اقدامی نمی‌کند. در اسلام، امارت و حکومت بر مسلمانان، امانت است. لذا شخص حاکم و کارگزار در قیامت، مورد سؤال قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «هیچ امیر و حاکمی نیست که بر ده نفر حکومت کند، مگر آنکه در قیامت مورد سؤال واقع خواهد شد» (الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۴؛ به نقل از کدخدایی و فلاح).

خداوند متعال در آیات ۹۲ تا ۹۴ سوره طه می‌فرماید: «قَالَ يَا هَازُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿۹۲﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿۹۳﴾ قَالَ يَا أَبْنُ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿۹۴﴾»؛ «[هنگامی که موسی باز آمد] گفت: ای هارون، چون آنها را دیدی که گمراه شدند

۱. کدخدایی، عباسعلی؛ فلاح سلوکیان، محمد (۱۳۹۰)، «نظام تشویق و تنبیه کارگزاران حکومتی در اسلام»، حکومت

چه چیز تو را بازداشت، ﴿۹۲﴾ از این که مرا پیروی کنی - که آنها را از پرستیدن گوساله بازداری، یا از پی من آیی و خود را به من رسانی -؟ آیا فرمان مرا نافرمانی کردی؟ ﴿۹۳﴾ گفت: ای پسر مادرم، ریش و سر مرا مگیر، من ترسیدم که بگویی میان فرزندان اسرائیل جدایی انداختی و گفتار - سفارش - مرا نگاه نداشتی ﴿۹۴﴾. پس از آنکه بنی اسرائیل در غیبت موسی (ع) از طریق سامری به گوساله پرستی روی آوردند و به ارشادات هارون وضعی نهادند، موسی (ع) در بازگشت، هارون را مورد حساب کشی قرار داد و با شدت عصبانیت به او گفت که چرا از روش و سنت من در شدت عمل نسبت به بت پرستی پیروی نکردی؟ هارون در پاسخ گفت که فکر کردم اگر به مبارزه برخیزم و با آنها درگیر شوم، تفرقه شدیدی در میان بنی اسرائیل می افتد و از این ترسیدم که به هنگام بازگشت بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا که همانا اصلاح میان جامعه و در پیش نگرفتن راه مفسدان بود، بکار نبستی. به این ترتیب هارون بی گناهی خود را اثبات نمود. براساس گفته‌مان بین موسی (ع) و هارون می توان نتیجه گرفت که:

- ❖ مدیران و کارکنان باید دستورات مدیران الهی را مطابق ابلاغیه، اجرا نمایند (**مسئولیت پذیری**)؛
- ❖ مدیران با توجه به بضاعت خود، تا حدی باید مطلوب‌ها را پیگیری نمایند که به تفرقه و فروپاشی جامعه منجر نشود، که این موضوع خط قرمز تلقی می شود (**مسئولیت پذیری بر مبنای تنش زدایی**)؛
- ❖ مدیران بالادست این اختیار را دارند که از مدیران زیردست حساب کشی نموده و بابت تخطی از سیاست‌های تعیین شده‌ی سازمان و مدیریت، توضیح بخواهند و مدیران زیردست نیز باید مکلف به پاسخگویی باشند (**مسئولیت خواهی و پاسخگویی**).

اصل مسئولیت پذیری را می توان براساس «**قاعده‌ی فقهی احسان**» تبیین نمود. فرضاً اگر کسی که براساس احساس وظیفه شرعی و احراز اذن شرع، اقدام به نجات غریق می کند و انگیزه و هدف او نجات شخصی می باشد که در حال غرق شدن است؛ اگر به خاطر انجام این عمل و در راستای تحقق نجات غریق، خسارت مالی و یا زیان جانی بر او وارد آورد، ضامن تلقی نمی شود؛ مگر آنکه ثابت شود در انجام این کار افراط و تفریط کرده و جوانب امر را رعایت نکرده است. آیا کسانی که در تصدی امور عمومی و انجام خدمات عمومی دارای اذن بوده و مأمورند، در صورت بروز خسارات از اعمالی که در راستای انجام وظیفه مرتکب می شوند، مبرا از مسئولیت و ضمان خواهند بود؟ قاعده‌ی احسان را می توان به دولت، کلیه کارکنان و مسئولان اداری و سیاسی جامعه تسری داد. سیره‌ی عملی پیامبر اسلام (ص) به ویژه در محاسبه‌ی کارگزاران و مأمورانی که تحت عناوین مختلف به کارهای دولتی گمارده می شدند و همچنین سیره‌ی امام علی (ع) در بازخواست کارگزارانش به چشم می خورد، مسئولیت دولت را در قبال اعمال کارگزاران دولتی به وضوح اثبات می کند. در برخی موارد، خسارت‌ها از بیت‌المال پرداخت می شده و گاهی مأموران خطا کار موظف به پرداخت خسارت‌ها می شدند و گاهی حتی دولت در برابر مسئولیتهای ناشی از آن، مسئول شناخته شده است. برای نمونه می توان به سیره نبوی و علوی در باب خطاهایی که خالد بن ولید در یک مأموریت مرتکب شده بود، مراجعه کرد.

پیامبر اکرم (ص) با ابراز برائت از عملکرد این مأمور خطاکار، علی (ع) را مأمور پرداخت خسارت به کسانی فرمود که بر اثر جرایم خالد بن ولید متضرر شده بودند و فرمود: «به سوی این مردم ستمدیده به شتاب روانه شو و رسوم جاهلیت را زیر پا بگذار و دیه کسانی که به ناحق به دست خالد بن ولید کشته شده‌اند، بپرداز و خسارت اموال به غارت رفته آنان را جبران نما» (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، صص ۷۷-۸۳)!

اصل مسئولیت و پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم و ذینفعان، یکی از اصولی است که در آیات و روایات اسلامی بر آن تاکید زیادی شده است. برای شناسایی محورهای کلیدی این اصل مهم درسازماندهی، مراجعه به آیات قرآنی و روایات وارده از معصومین: راهگشاست:

❖ **پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم.** پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آگاه باشید همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسئولید، پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم مسئول و متعهد است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۴)!

❖ **تبادل مسئولیت و پاسخگویی.** امام علی (ع) در نامه ۳۱ خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع)، تبادل مسئولیت را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها بر دوش من، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام علی (ع) همچنین می‌فرماید: «هر که تو را در چیزی که طاقت آن نداشته باشی تکلیف نماید، در حقیقت در نافرمانی خود فتوا داده است» (آمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷۲). بنابراین در محول نمودن مسئولیت‌ها، باید توان و ظرفیت افراد را مورد توجه قرار داد؛ در غیر این صورت، فشار فیزیکی و روانی منجر به تحلیل رفتگی افراد می‌شود و همچنین لوث شدن قوانین و دستورالعمل‌های سازمان و مدیران را به دنبال خواهد داشت.

❖ **اعتدال‌گرایی در مسئولیت‌پذیری.** امام علی (ع) در نکوهش فرمانده شکست‌خورده‌ی خود در نامه ۶۱، اهمیت پرداختن به امورات در حوزه وظایف و اختیارات را متذکر شده و می‌فرماید: «سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده‌ی اوست، و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه‌ی ناتوانی آشکار و اندیشه‌ی ویرانگر است» (نهج البلاغه، نامه ۶۱). مدیران باید مراقبت نمایند که تنها در قبال مسئولیت‌ها و اختیارات محوله دارای پاسخگویی هستند و پرداختن به کارهای خارج از حیطه مسئولیت و غفلت از مسئولیت‌های کاری (سستی در وظیفه و پافشاری در غیر وظیفه) ، نه تنها مزیت محسوب نمی‌شود، بلکه نشانه «**سبک مدیریت عاجزانه**» (آشتگی در اندیشه و ناتوانی در اجرا) است.

۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، قواعد فقه بخش حقوق عمومی، انتشارات سمت و موسسه تحقیقات علوم اسلامی.

۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر انسان به انسان، قم: انتشارات اسراء.

❖ **اصل مطلق بودن مسئولیت.** امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر دبیران تو را عیبی باشد و تو از آن غافل مانی، به آن بازخواست خواهی شد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که تفویض اختیار رافع مسئولیت نیست. چون مسئولیت را به عنوان یک تعهد نمی‌توان به دیگران واگذار کرد و هیچ‌بالا دستی نمی‌تواند با واگذاری اختیار، از مسئولیت خود برای کارهای زیردستانش شانه خالی کند. بنابراین مسئولیت امری مطلق است و مدیر باید در قبال اقدامات زیردستانش پاسخگو باشد (مقیمی، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

❖ **تکلیف خواهی بجای نتیجه خواهی در پاسخگویی.** تکلیف دردین به معنای موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است. مکلف، انسانی است که تابع طلب الهی (امر و نهی) باشد، به گونه‌ای که حیات چنین انسانی محدود به حدود شریعت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸). خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره بقره، اهمیت تکلیف بجای نتیجه را متذکر شده و می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»؛ «ما تو را برستی نویدرسان و بیم‌دهنده فرستادیم، و تو را از دوزخیان نپرسند». آموزه‌های این آیه عبارتند از اینکه: رهبران و مبلغان الهی مأمور به وظیفه‌اند نه ضامن نتیجه؛ تشویق نیکوکاران و هشدار به بدکاران از اهداف دین و رهبران دینی است. بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه می‌توان دریافت که در اصل مسئولیت پذیری، مدیر باید تمام تمرکز خود را بر روی انجام وظیفه و تکلیف متمرکز نماید؛ و پاسخگویی مدیر باید در خصوص عدم کوتاهی در انجام وظیفه باشد و حتی اگر نتیجه مورد نظر به دست نیاید، چیزی از ارزش کار کم نمی‌کند. در آیه ۱۷۶ سوره آل عمران آمده است: «وَأَنان که در کافری می‌شتابند تو را اندوهگین نکنند، که آنها هیچ زبانی به خدا نتوانند رسانید. خدا می‌خواهد برای آنان در آن جهان بهره‌ای قرار ندهد، و آنها را عذابی است بزرگ». بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه، رهبران الهی مسئول هدایت مردم هستند، نه مسئول نتیجه‌ی آن. خداوند متعال در آیه ۳ سوره شعراء می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ «گویی می‌خواهی جان خود را به خاطر این که آنها ایمان نمی‌آورند، از شدت اندوه بر باد دهی». بعضی مفسران چنین می‌گویند که سبب نزول آیه فوق این بود که پیامبر (ص) مرتباً اهل مکه را به توحید دعوت می‌کرد، اما آنها ایمان نمی‌آوردند. پیامبر (ص) آنقدر ناراحت شده بود که آثار آن در چهره‌اش آشکار بود. این آیه نازل شد و پیامبر (ص) را دلداری داد. رهبران الهی دلسوز مردم هستند، لذا باید قدر آنها را دانست. مبلغان و رهبران الهی باید اقدام به پیام‌رسانی کنند و لازم نیست که از بابت ایمان‌نیابردن مردم غمگین شوند و بیش از حد دلسوزی نمایند. بر اساس آموزه‌های این آیه و آیه قبلی می‌توان گفت که تکلیف خواهی بر نتیجه خواهی در پاسخگویی مدیریت سازمان اولویت دارد.

سید محمد مقیمی

Moghimi@ut.ac.ir - <http://www.prof-moghimi.ir>